

رابطه مدیریت کلاس معلمان با خودکارآمدی دانش آموزان مقطع ابتدایی

عبدالرضا خدری خان آبادی*

دکتر هادی پور شافعی**

چکیده

معلم، محور اصلی نظام اجتماعی کلاس درس است که با برقراری ارتباط با دانش آموزان می تواند در تحول روانی و اجتماعی آنان نقش مؤثر ایفا کند. یکی از ابعاد این تحول، خودکارآمدی دانش آموزان است که با برقراری این رابطه شکل می گیرد. هدف پژوهش حاضر، بررسی رابطه مدیریت کلاس معلمان با خودکارآمدی دانش آموزان بوده است. روش پژوهش از نوع توصیفی- همبستگی است. برای دستیابی به این هدف از میان معلمان ناحیه ۲ شهرستان همدان که شمار آنان ۱۳۲ نفر بود، ۸۸ نفر و از میان دانش آموزان معلمان انتخاب شده در هر کلاس چهار نفر به عنوان نمونه پژوهشی انتخاب شدند. مدیریت کلاس با پرسشنامه ای که الوانی (۱۳۸۶) طراحی کرده بود و خودکارآمدی دانش آموزان با پرسشنامه خودکارآمدی ویلر و لد (۱۹۸۲) مورد ارزیابی قرار گرفت. پایایی پرسشنامه ها با روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که پایایی پرسشنامه مدیریت کلاس ۰/۹۱ و خودکارآمدی کودکان نیز ۰/۷۸ به دست آمد. نتایج پژوهش نشان داد که: رابطه میان مدیریت کلاس مدرسه-محور معلمان و خودکارآمدی دانش آموزان معنادار نیست. میان مدیریت کلاس دانش آموز-محور معلمان و خودکارآمدی رابطه معنادار وجود ندارد. میان مدیریت کلاس معلمان برحسب زن و مرد تفاوت معنادار به دست نیامد. میان خودکارآمدی پسران و دختران تفاوت معنادار وجود دارد و دختران از سطح خودکارآمدی بالایی نسبت به پسران برخوردار بودند.

کلید واژه ها: مدیریت کلاس، خودکارآمدی دانش آموزان، دانش آموز-محوری، مدرسه-محوری

تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۱/۹/۲۸

khedriabdolreza@yahoo.com

hpourshafei@birjand.ac.ir

* کارشناسی ارشد برنامه ریزی درسی

** عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

مقدمه

هدف آموزش و پرورش در عصر حاضر، به عکس گذشته تنها تعلیم دروس و مطالب فکری نیست، بلکه پرورش جسم و روان، به‌طورکلی مدنظر است. برآوردن نیازهای روانی، اجتماعی و جسمانی بخش اعظم تربیت کودکان امروز را دربرمی‌گیرد.

اگرچه تربیت جسمانی دانش‌آموز در مدارس از سالهای پیش مقرر شده و در این زمینه امکاناتی در مدارس فراهم آمده است، ولی مسئله روان دانش‌آموزان هنوز به شکل صحیح مورد توجه قرار نگرفته است. لزوم توجه به این مسئله (بعد روانی تربیت) به این سبب است که اساس شخصیت هر فرد در دوران کودکی پیریزی می‌شود. به عبارت دیگر توجه به نیازهای روانی و عاطفی در این دوره از ضروریات تربیتی است. اگر در شیوه رسیدگی به این نیازها اختلال ایجاد شود، اثرات آن در طول زندگی و سازگاری کودک با محیط و برقراری روابط صحیح با دیگران آشکار خواهد شد.

با ورود دانش‌آموز به محیط مدرسه دنیایی جدید در برابرش نمودار می‌شود و تحت‌تأثیر یک رشته عوامل محیطی و انسانی مؤثر مانند معلمان و همسالان قرار می‌گیرد که در شکل‌گیری شخصیت او از مهم‌ترین عوامل به شمار می‌روند. در این زمینه نقش معلم نمود بیشتری دارد، هر چند که نقش همسالان نیز دارای اهمیت است. وجود همین ارتباط تنگاتنگ کلاس درس به‌منزله یک نظام اجتماعی تلقی می‌شود که دارای پایگاهها، باورها، هنجارها، اهداف، نقشها، و انتظارات است (شعبانی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۲).

همان‌طورکه هر نظامی نیازمند نوعی مدیریت است که بدون آن نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد، کلاس درس هم از این قاعده مستثنی نیست و در جای خود نیازمند گونه‌ای از مدیریت است؛ با وجود این مدیریت است که نظام کلاسی به سوی اهداف تربیتی خود گام برمی‌دارد. از مدیریت این نظام به‌عنوان «مدیریت کلاس»^۱ یاد می‌شود.

اداره کلاس در امر تعلیم و تربیت بسیار حائز اهمیت است و از گذشته‌های دور نیز به منزله یکی از مسئولیتهای اساسی معلم به‌حساب می‌آمده است؛ چراکه مهارتهای اداره کلاس و چگونگی تدریس معلم بر رفتار، احساس، تفکر و یادگیریهای دانش‌آموزان تأثیر اساسی می‌گذارد. در اغلب دیدگاهها و تعاریف سنتی مدیریت کلاس، مترادف با واژه انضباط به‌کار رفته است. محققان بسیاری از جمله جرمین^۲ (۲۰۰۲) وانمود می‌کنند که اصطلاح انضباط کلاس درس و مدیریت کلاس به‌نظر

1. Classroom management

2. Germin

مترادف می‌رسند. به‌علاوه از دیدگاه ویلیامز^۱ (۲۰۰۰) مدیریت کلاس درس مجموعه‌ای از فنون و مهارتهایی است که به معلمان امکان می‌دهد که بتوانند دانش‌آموزان را کنترل نمایند تا محیطی مثبت برای یادگیری فراهم شود (نقل در شعبانی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳). ولی برخی دیگر از جمله راگ^۲ معتقدند که کنترل فقط یکی از جنبه‌های اداره کلاس است؛ چراکه مدیریت کلاس شامل کارکردهای سازمانی است که معلمان را ملزم به برنامه‌ریزی کردن، انتخاب موضوعات درسی، سازمان‌دهی، هماهنگی، قضاوت، برقراری ارتباط و انتخاب راهبردهای ممکن برای تدریس می‌کند (راگ، ۱۳۸۴، ص ۲۸). طرفداران رویکرد پست‌نیوتنی، مدیریت کلاس درس را حفظ ارتقای مستمر استانداردهای تربیتی در فضایی انسانی برای رضایت معلمان و دانش‌آموزان می‌داند (شعبانی، ۱۳۹۰، ص ۱۴۳).

تعاریفی که ذکر شد تعاریفی است که بیشتر به حوزه دانش مدیریت تعلق دارند. درست است که این حوزه با مدیریت به معنای عام آن در برخی از کارکردها قرابت دارد ولی تفاوت شایان این دو گستره در این است که در مدیریت کلاس روابط انسانی نمود بیشتری دارد ولی ممکن است در مدیریت سازمانهای دیگر، جنبه‌های دیگر مدیریت دارای اهمیت بیشتر باشند. تعاریف زیر بیشتر به برداشتی که ما از مدیریت کلاس داریم نزدیک است:

«مدیریت کلاس عبارت اند از هنر به کار بردن دانش تخصصی و بهره‌گیری از مهارتهای کلاس‌داری در هدایت دانش‌آموزان به سوی اهداف مطلوب و مورد نیاز دانش‌آموز و جامعه» (رئوفی، ۱۳۸۴، ص ۱۵). دوئل^۳ نیز مدیریت کلاس را چنین تعریف می‌کند: «مدیریت کلاس طیف وسیعی از وظایف معلم در تأمین منابع دانش‌آموزان، رسیدگی به حضور دانش‌آموز، داراییهای مدرسه، پیشبرد مطلوب قوانین، قواعد و رویه‌های آموزش گروهی دانش‌آموزان است» (سرمدی و صیف، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴). به‌طورکلی تعاریف مدیریت کلاس را می‌توان در سه گروه قرار داد:

۱. مدیریت کلاس مترادف با ایجاد نظم و انضباط تلقی می‌شود: در این دیدگاه مدیریت کلاس یعنی کلیه تلاشهای معلم برای سرپرستی فعالیتهای کلاس که شامل تعاملات اجتماعی، رفتار دانش‌آموز و یادگیری است (امین‌یزدی و عالی، ۱۳۸۴).

۲. نظارت و کنترل که یکی از وظایف و کارکردهای مدیریت کلاس است به‌عنوان مدیریت کلاس تلقی می‌شود که برداشتی ناقص است. مثلاً این تعریف که در آن مدیریت کلاس مجموعه‌ای

1. Williams
2. Wragg
3. Doyle

از تکنیکها و مهارتهایی فرض شده که به معلمان امکان می‌دهد دانش‌آموزان را به‌طور اثربخش کنترل کنند تا محیطی مثبت برای یادگیری فراهم شود (ویلیامز و استرنبرگ^۱، ۲۰۰۰؛ نقل در کاظمی، ۱۳۸۷).

۳. مدیریت کلاس یک نظام اجتماعی تلقی می‌شود که کارکردی فراتر از کارکردهای مدیریت سنتی دارد و تمامی جوانب کلاس را مدنظر قرار می‌دهد. تعریفی که از دیدگاه راگ ذکر شد از این گروه است.

در حوزه مدیریت کلاس نیز دیدگاههای متعدد وجود دارد که هر یک از آنها به جنبه‌ای از مسئله پرداخته‌اند. از میان این نظریات، نظریه لاین و نولان^۲ (۱۹۹۷) که مدیریت کلاس را به‌مثابه طیفی از عدم‌مداخله، تعامل‌گرا و مداخله‌گرا می‌دانند و شهرت بیشتری دارد.

مفهوم نظریه عدم‌مداخله در مدیریت کلاس مبتنی بر نظام اعتقادی، فلسفی و روانی خاصی است که به مشترکات انسانی و دانش‌آموز-محوری اشاره دارند. ایده اساسی این دیدگاه این است که دانش‌آموز باید مسئولیت اصلی کنترل رفتار خویش را عهده‌دار شود. حامیان این دیدگاه براین باورند که دانش‌آموز توانایی کنترل رفتار خود را دارد و اگر برای این امر فرصتی به او داده شود، از عهده این کار بخواهد آمد. نقش معلم به‌عنوان مدیر کلاس آن است که ساختار کلاس را به‌گونه‌ای هماهنگ و سازمان‌دهی کند که کنترل رفتار دانش‌آموزان تسهیل شود (سرمدی، صیف، ۱۳۹۰، ص ۱۴۶). علاوه‌براین، در نظام کلاسی دانش‌آموز‌محور، توسعه استقلال، خودانضباطی و یادگیری مداوم ضروری است و این نظام زمانی شکل می‌گیرد که محور آموزش و مدیریت کلاس، توجه به نیازهای اساسی دانش‌آموزان باشد نه فقط کنترل آن‌ها (مارتین^۳، ۲۰۰۳؛ نقل در حسینی‌فر، ۱۳۸۷). معلمان در این نوع از مدیریت کمتر احتمال دارد که دستور دهند یا از توبیخ و تنبیه استفاده کنند. دانش‌آموزان آزادی بیشتری برای حرکت کردن در کلاس دارند. مهم‌تر از این، مسئولیت‌پذیری دانش‌آموزان در قبال رفتارهای خود بیشتر مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این صورت دانش‌آموزان بیشتر می‌توانند رفتار معقولانه‌ای از خود نشان دهند؛ چراکه دخالت‌های بی‌مورد معلم آزادی دانش‌آموزان را که عاملی اساسی برای رشد خودرهبی آنان است کاهش خواهد داد (راگ، ۱۳۸۴، ص ۴۹).

1. Strenberg
2. Levin & Nolan
3. Martin

الگوی تعاملی در مدیریت کلاس، بر پایه این ایده اساسی استوار است که کنترل رفتار دانش-آموزان مسئولیت مشترک معلمان و فراگیران است و تنها نمی‌توان مسئولیت آن‌را به معلمان واگذار کرد. طرفداران این نظریه بسیاری از یافته‌های روان‌شناختی مدیریت دانش‌آموز-محور را قبول دارند اما معتقدند که ماهیت گروهی کلاس مستلزم این است که معلم نیازهای گروه را به‌عنوان یک کل بر نیازهای فردی دانش‌آموزان ترجیح دهد و از راهبردهای گروهی آموزش به‌جای راهبردهای صرفاً فردی استفاده کند (سرمدی و صیف، ۱۳۹۰، ص ۱۴۷).

سیستم مداخله‌ای کلاس نیز مبتنی بر نظریه رفتارگرایی است که بر این مبنا استوار است که کنترل رفتار دانش‌آموز، نخستین مسئولیت معلم است. همچنین معتقدند که دانش‌آموزان می‌خواهند معلم متصدی کلاس باشد و انتظار دارند معلم مراقب رفتار فراگیران باشد؛ چراکه مبنای انضباط مثبت کلاسی، ایجاد محیطی است که معلم می‌آفریند و دانش‌آموزان را برمی‌انگیزد تا رفتار مناسب از خود نشان دهند (فرخ‌نژاد، ۱۳۸۰، ص ۵۹). راگ نیز درباره این نظریه می‌نویسد: «در این دیدگاه باور براین است که وقتی رفتار مثبت اغلب به وسیله پاداش یا تأییدکردن، تقویت شود بهتر یاد گرفته می‌شود. نقش معلم نیز این است که کودکان را برای یادگیری رفتار اجتماعی مطلوب مدد رسانند» (۱۳۸۴، ص ۵۰). نقطه اتکای این دیدگاه معلم و قوانین مدرسه است که در حوزه مدیریت کلاس به آن مدیریت معلم-محور یا مدرسه-محور می‌گویند. در تعریفی که از قول دوپل ذکر کردیم بیانگر همین دیدگاه است که در آن مرکز توجه، قوانین و مقررات تعیین شده از طرف مدرسه است و دانش‌آموز با توجه به این عوامل هدایت می‌شود و هدف معلم نیز در این زمینه برقراری هرچه بیشتر نظم و انضباط در کلاس درس است تا دانش‌آموزان از این قوانین تخطی نکنند.

دیدگاه دیگری نیز در عرصه مدیریت کلاس وجود دارد که راجز^۱ پایه‌ریزی کرده است. براساس این دیدگاه یادگیری زمانی رخ می‌دهد که میان معلم و دانش‌آموزان روابط مثبت شکل گیرد؛ از طرفی نیز نقش معلم این است که در درون کلاس جو سالمی ایجاد کند تا یادگیری به‌طور خودکار انجام پذیرد. از آنجا که هدف مطلوب نظام اجتماعی مدرسه یادگیری است، می‌توان گفت برداشتی که این دیدگاه از مدیریت کلاس دارد بسیار اثربخش و مطلوب است. طرفداران این دیدگاه روابط فردی را یکی از مسائل مهم برای تمام جوامع انسانی می‌دانند و استدلال می‌کنند که کودکان باید از نخستین سالهای زندگی خود بیاموزند که با همسالان خود و بزرگسالان روابط مثبتی

1. Rogers

برقرار سازند. آنها خاطر نشان می‌کنند که موقعیتها و رویدادهای مشابه در کلاسهای که این روابط در آنها ضعیف است موجب بروز مشکلات جدی می‌شود. منتقدان ابراز می‌کنند که اغراق در مورد روابط خوب می‌تواند به آسانی موجب کم‌اهمیت شدن کسب مهارتها و دانش شود، کلاسهای هستند که روابط خوب موجب می‌شود تا مطلب فراگرفته شده اندک باشد (راگ، ۱۳۸۴، ص ۵۳).

هدف اساسی در مدیریت کلاس دانش‌آموز-محور این است که دانش‌آموزان چگونگی مدیریت رفتار خود را یاد بگیرند. تحول یافتن رفتار دانش‌آموز از اجبار کردن آنان برای عمل به دستورات معلم تا رسیدن به خودنظم‌دهی و کنترل رفتار خود، یک یادگیری اساسی در مدیریت کلاس است. همان‌طور که گفته شد در جریان کنترل خویش است که دانش‌آموزان احساس مسئولیت، یعنی توانایی برآوردن نیازهای خود بدون زیر پا گذاشتن حقوق و نیازهای دیگران را یاد می‌گیرند. کنترل خود زمانی حاصل می‌شود که دانش‌آموز از روی تصمیم و انتخاب شخصی خویش نتایج رفتار خود را قبول کند و هدفها و ترجیهای معینی برای خود تعیین نماید. کمک به شکل‌گیری مدیریت و کنترل خویش در دانش‌آموزان یکی از وظایف مهم تربیتی معلم است. با دستیابی به این مهارتهاست که دانش‌آموز به کسب موفقیت درسی و ایجاد روابط صحیح با دیگران و نظم دادن به زندگی خود خواهد رسید (لطف‌آبادی، ۱۳۸۹، ص ۲۸۰). برای اینکه دانش‌آموزان بدین هدف برسند می‌بایستی به توانایی خویش در این زمینه ایمان داشته باشند که به آن به اصطلاح «خودکارآمدی»^۱ گفته می‌شود که نقشی بسیار اساسی در شکل‌گیری رفتار فرد ایفا می‌نماید و از منابع گوناگون مانند توفیقاها، شکستهای خود فرد و مشاهده الگوهای متعدد موفق و ناموفق هم‌سطح خود و ترغیب کلامی سرچشمه می‌گیرد. اشخاصی که دارای این باور هستند و از سطح کارآمدی بالا برخوردارند بیشتر می‌کوشند، لذا بیشتر هم موفق می‌شوند، و نسبت به کسانی که سطح کارآمدی ضعیفی دارند، پشتکار بیشتری هم از خود نشان می‌دهند. افرادی که دارای کارآمدی شخصی سطح بالا هستند بر امور کنترل بیشتری دارند و عدم اطمینان کمتری را تجربه می‌کنند. از آنجا که افراد از رویدادهایی که به آنها کنترل ندارند می‌ترسند در نتیجه از آنها نامطمئن هستند، افرادی که دارای کارآمدی شخصی تصویری سطح بالایی هستند، کمتر می‌ترسند (السون و هرگنهان^۲، ۱۳۸۸، ص ۴۱۰).

براین اساس می‌توان گفت «خود» مرکز هشیاری، بخشی از روان است که با درک کردن، تفکر، احساس کردن و یادآوری ارتباط دارد. خود، آگاهی ما از خودمان است و مسئولیت انجام دادن

1. Self-efficacy

2. Olson & Hergenhahn

فعالتهای عادی در زمان بیداری را برعهده دارد. خود به صورت گزینشی عمل می‌کند، به این صورت که فقط بخشی از محرک‌هایی را که با آنها روبه‌رو می‌شویم در بخش آگاهی هشیار می‌پذیرد (شولتز^۱، ۱۳۸۷، ص ۱۱۷). علاوه‌براین، کومبز و اسنیک^۲ (نقل از یاری، ۱۳۸۸، ص ۶) معتقدند که «خود، قالب اساسی مراجعات شخص و هسته مرکزی ادراک است که بقیه منطقه ادراک نیز در اطراف آن سازمان می‌یابد. در این مفهوم، خود هم محصول تجربیات گذشته است و هم سازنده تجربیاتی جدید که توانایی‌های آن را دارد.» این بدان معنی است که هر چیز برمبنای مراجعات فرد به خود و از کانال خود درک می‌شود. دنیا از نظر فرد همان چیزی است که او می‌فهمد و از آن آگاهی دارد. اینکه دانش‌آموزان چه تصویری درباره خود و استعدادها و تواناییها و کارآمدی خویش دارند در تعیین هدف و میزان موفقیت و شکست آنان مؤثر است. به گونه‌ای که، افرادی که فکر می‌کنند توانایی آنان ثابت و تغییرناپذیر است نمی‌توانند اهداف بزرگتری را برای خود در نظر بگیرند. به عکس، آن‌هایی که توانایی خود را تغییرپذیر و افزایش یابنده می‌دانند اهداف بزرگتری پیش‌رو دارند.

خودکارآمدی در کلاس درس را باید در ارتباط با دامنه وسیع‌تری از متغیرهای کلاس درس بررسی نمود. کمیت یا کیفیت تعاملات دانش‌آموزان با یکدیگر و با معلم، شیوه‌هایی که معلم برای کنترل رفتارهای دانش‌آموزان مورد استفاده قرار می‌دهد همچنین آموزش، که در مجموع بدانها «مدیریت کلاس» گفته می‌شود شکل‌دهنده محیط روان‌شناختی- اجتماعی کلاس هستند و می‌توانند اثرات گوناگونی بر خودکارآمدی دانش‌آموزان بگذارد. معلم باید دانش‌آموزانی را که به او سپرده‌اند، همیشه درنظر آورد و شرایط یادگیری را برای آنان فراهم کند.

ویلر و لد^۳ (۱۹۸۲؛ نقل از چاری، ۱۳۸۶)، ضمن تحقیقی خودکارآمدی کودکان را در دو موقعیت تعارض و عدم تعارض مورد ارزیابی قرار دادند که این تحقیق به ابداع مقیاسی برای سنجش میزان خودکارآمدی کودکان دوره ابتدایی منتهی شده است. در موقعیت تعارض، هدف مورد رغبت کودک، در مخالفت مستقیم با اهداف همسالان خود است درحالی‌که در موقعیت عدم تعارض، میان اهداف کودک و همسالان او تعارضی دیده نمی‌شود. دانش‌آموزان با خودکارآمدی بالا، در مقایسه با دانش‌آموزان دارای خودکارآمدی پایین احتمالاً در تلاش برای یک تکلیف یادگیری مقاومت بیشتری به‌خرج می‌دهند. پژوهشگران دریافته‌اند که خودکارآمدی و پیشرفت

1. Shultz

2. Combs & Snig

3. Wheeler & Ladd

هنگامی که دانش‌آموزان اهدافی تعیین می‌کنند که اختصاصی، چالش‌انگیز و دست‌یافتنی هستند، بهبود می‌یابد (بندورا، ۲۰۰۱^۱؛ نقل از بیابانگرد، ۱۳۸۶). اگر اهداف به‌طور غیرواقع‌گرایانه بالا باشند، نتیجه آن، شکستهای مکرر خواهد بود که خودکارآمدی دانش‌آموزان را کاهش می‌دهد. همچنین خودکارآمدی معلم نیز بر کیفیت یادگیری دانش‌آموزان تأثیری اساسی می‌گذارد، به این ترتیب که معلمان با خودکارآمدی پایین، اغلب گرفتار مسائل کلاسی می‌شوند، و به توانایی خود برای اداره کلاس اطمینان ندارند، با بدرفتاری دانش‌آموزان دچار استرس (فشار روانی) و عصبانیت می‌شوند، نسبت به توانایی دانش‌آموزان برای بهبود بدین هستند، دیدگاه قیّم‌آبانه‌ای نسبت به شغل خود دارند، اغلب به شیوه‌های محدودکننده و تنبیهی متوسل می‌شوند و می‌گویند: اگر فرصت دیگری برای انتخاب داشته باشند، هیچ وقت معلمی را انتخاب نخواهند کرد (بیابانگرد، ۱۳۸۶).

بندورا (۱۹۹۳) نیز چهار عامل را در خودکارآمدی ادراک‌شده مؤثر می‌داند که شامل؛ شناختی، انگیزشی، عاطفی و فرایند‌گزینش است. او این عوامل را در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر می‌داند و می‌افزاید که دانش‌آموزان معتقدند خودکارآمدی براساس ساخت‌دهی به یادگیری شخصی خود، فعالیت تسلط‌آموزی، سطح انگیزش و پیشرفت تحصیلی آنان شکل می‌گیرد. افرادی که دارای میزان خودکارآمدی بالایی هستند، بیش از افرادی که دارای خودکارآمدی پایین هستند در انجام دادن تکالیف کوشش از خود نشان می‌دهند، در نتیجه عملکرد آنان در انجام دادن تکلیف بهتر است. خودکارآمدی می‌تواند بر انتخاب تکالیف دانش‌آموز، گسترش تلاش، پایداری و پیشرفت وی اثر گذارد. بندورا (۲۰۰۱) و پتتریچ و شانک^۲ (۲۰۰۲؛ نقل از بیابانگرد، ۱۳۸۶)، براین باورند که دانش‌آموزان با خودکارآمدی بالا، در مقایسه با دانش‌آموزانی که نسبت به تواناییهای یادگیری خویش شک دارند، برای کسب یک مهارت یا انجام دادن یک تکلیف، با سرعتی بیشتر شرکت می‌کنند و بیشتر پیشرفت می‌کنند. خودکارآمدی بالا هنگامی که دانش و مهارت لازم وجود ندارد، منجر به عملکرد شایسته نمی‌شود. تبحری و عملکردی بودن ساختار کلاس درس نیز بر خودکارآمدی تأثیر می‌گذارد به صورتی که براساس یافته‌های پژوهشی، ادراک دانش‌آموزان از تبحری بودن ساختار کلاس با پیامدهای مثبت تحصیلی از جمله باور به خودکارآمدی زیاد و ادراک از عملکردی بودن ساختار کلاس با پیامدهای منفی مرتبط است (میگلی و اردان^۳، ۲۰۰۱؛ نقل از حجازی و نقش، ۱۳۸۷).

-
1. Bandura
 2. Shunk
 3. Miglly & Erdan

در سالهای اخیر، روان‌شناسان از این واقعیت که احساس خودکارآمدی فرد و نگرش و ادراک وی از خودش، رابطه‌ای بسیار نزدیک با چگونگی یادگیری و رفتار وی دارد، به خوبی آگاه شده‌اند (تلا^۱، ۲۰۱۱). باورهای خودکارآمدی، یکی از مهم‌ترین هسته‌های مرکزی در نظریه شناختی - اجتماعی هستند (بندورا، نقل از شوارزر و هالوم^۲، ۲۰۰۸) که «در انگیزش، بهزیستی و دستاوردهای انسانی بسیار اثرگذارند و منبعی کلیدی در پیشرفت و سازش موفقیت‌آمیز با موقعیتهای چالش بر- انگیز به شمار می‌روند» (بندورا، ۲۰۰۶).

علاوه‌براین، خودکارآمدی به تحریک و تهییج فرد و حرکت وی در امتداد فرآیند عملی‌سازی اهداف کمک می‌نماید (دایکمن و همکاران^۳، ۲۰۰۳). بندورا معتقد است که انتظار کارآمدی می‌تواند روی افراد در دو حیطه اثر بگذارد. ۱) میزان تلاشی که فرد می‌کند؛ ۲) فعالیت‌هایی که برای انجام دادن انتخاب می‌کند (لیاو^۴، ۲۰۰۹).

ساعتچی (۱۳۷۶) نیز عوامل گوناگون فرهنگی، وضعیت تربیتی، منزلت اجتماعی و اقتصادی دانش‌آموزان، تجارب قبلی معلم، مهارت‌های دانش‌آموزان کلاس او و نیز هدف‌های یادگیری مورد توافق معلم و دانش‌آموز را در نوع مدیریت کلاس مؤثر می‌داند و معتقد است که چگونگی مدیریت کلاس بستگی به موقعیت کلاس درس دارد. تحقیقات ایورتسون^۵ و همکاران (۲۰۰۳؛ نقل در لطف‌آبادی، ۱۳۸۹) نشان داده است که عملکرد دانش‌آموزانی که معلمان آنان توانسته‌اند کلاس را به‌درستی اداره کنند با عملکرد دانش‌آموزانی که معلمان در اداره کلاس آنان کم‌توان بوده‌اند به کلی متفاوت است. یکی از عملکردهای مهمی که باید در دانش‌آموزان ایجاد شود باور خودکارآمدی است. این امر در زمینه مدیریت کلاس درس به معلمانی اطلاق می‌شود که بر توانایی خویش در تأثیر بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ایمان دارند (جرمین، ۲۰۰۲).

احساس کارآیی با توجه سن و جنسیت متفاوت است. پژوهشی که لاگمن^۶ در مورد کودکان و بزرگسالان انجام داده است، نشان می‌دهد که مردان به طور متوسط در احساس کارآمدی نمرات بالاتری از زنان می‌گیرند. این تفاوت جنسیت در ۲۰ تا ۳۰ سالگی به اوج می‌رسد و در سالهای بعد افت می‌کند. احساس خودکارآمدی در هر دو جنس، در طول دوران کودکی و جوانی افزایش می‌یابد، و در میانسالی به اوج می‌رسد، و بعد از ۶۰ سالگی افت می‌کند (یاری، ۱۳۸۸، ص ۶۰).

1. Tella
2. Schwarzer & Hallum
3. Dykeman et al.
4. Liaw
5. Evertson
6. Lagman

یافته‌های قنبرزاده علمداری نشان می‌دهد که دختران و پسران در متغیرهای نگرش ریاضی، باورهای خودکارآمدی ریاضی، انتظار عملکرد ریاضی با یکدیگر تفاوت دارند، و به این نتیجه رسید که در متغیرهای مربوط به ریاضی (نگرش، باور خودکارآمدی و انتظار ریاضی) و عملکرد ریاضی دختران بهتر از پسران هستند و میانگین نمرات در همه این متغیرها به‌جز باور جنسیتی ریاضی بالاتر از پسران است (نقل از یاری، ۱۳۸۸، ص ۷۲).

با توجه به مباحث و پژوهشهای انجام شده به نظر می‌رسد، نخستین و مهم‌ترین هدف معلم برقرار کردن رابطه مطلوب، دوستانه و حمایت‌کننده با دانش‌آموز است، چنین هدفی فقط با تعامل میان معلم و دانش‌آموز حاصل می‌شود؛ و از آنجا که در دوره ابتدایی اساس شخصیت دانش‌آموزان شکل می‌گیرد میزان این رابطه باید نسبت به دوره‌های دیگر بیشتر باشد. لذا با توجه به اینکه پژوهشهای اندکی در زمینه مدیریت کلاس در ایران انجام شده است و قریب به اتفاق آنها از لحاظ نظری متکی بر سبکهای مدیریتی برگرفته از تئوریهای مدیریت هستند تا بر اساس نظریه‌های مدیریت کلاس و روان‌شناسی یادگیری؛ همچنین به دلیل اهمیت شناخت چگونگی مدیریت کلاس و میزان اثربخشی آن در رشد و توانایی دانش‌آموزان، پژوهش حاضر برآن است تا رابطه مدیریت کلاس را با یکی از جنبه‌های رشد شخصی و اجتماعی دانش‌آموزان یعنی خودکارآمدی مورد بررسی قرار دهد تا دریابد که چه رابطه‌ای میان شیوه مدیریت کلاس درس معلمان و باورهای خودکارآمدی دانش‌آموزان وجود دارد؟

هدف پژوهش

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه میان مدیریت کلاس درس و خودکارآمدی دانش‌آموزان صورت گرفته است.

روش پژوهش

این پژوهش از نظر نحوه گردآوری داده‌ها از نوع پژوهشهای همبستگی است. در پژوهشهای از نوع همبستگی، پژوهشگر با بهره‌گیری از یک گروه آزمودنی درباره دو متغیر، بدون آنکه هیچ یک از آنها را دستکاری یا کنترل کند، اطلاعاتی به دست می‌آورد (هومن، ۱۳۸۳، ص ۲۵۲). از نظر هدف از نوع کاربردی است؛ چراکه از نتایج آن می‌توان در برنامه‌ریزی آموزشی معلمان بهره گرفت.

جامعه آماری

۱. جامعه معلمان: معلمان پایه پنجم ابتدایی (۱۳۲ نفر) که در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ در مدارس عادی دولتی ناحیه ۲ شهرستان همدان مشغول به تدریس بودند.

۲. جامعه دانش آموزان: دانش آموزان دختر و پسر پایه پنجم ابتدایی (۳۲۷۶ نفر) که در سال- تحصیلی ۹۰-۸۹ در مدارس عادی دولتی ناحیه ۲ شهرستان همدان مشغول به تحصیل بودند.

نمونه آماری

برای انجام دادن پژوهش، ابتدا از میان ۳ ناحیه آموزش و پرورش، ناحیه ۲ به صورت تصادفی انتخاب شد، پس از آن تعداد مدارس این ناحیه و کلاسهای پنجم هر مدرسه مشخص شدند. از آنجا که معلمان این ناحیه ۱۳۲ نفر بودند، با استفاده از جدول مورگان ۹۷ معلم به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند که ۹ نفر از آنان مشارکت نکردند و عده معلمان شرکت کننده ۸۸ نفر شد. (در هر کلاس نیز یک معلم مشغول تدریس بود). از میان دانش آموزان این معلمان در هر کلاس ۴ نفر (۴ به ۱) به صورت تصادفی به عنوان نمونه دانش آموزان انتخاب شدند. بنابراین نمونه آماری دانش آموزان مورد پژوهش ۳۵۲ نفر بودند.

ابزار پژوهش

ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه بود. پرسشنامه های مورد استفاده در این پژوهش عبارت اند از:

۱. پرسشنامه مدیریت کلاس: این پرسشنامه ۱۸ گویه دارد که به شیوه خودگزارش دهی است و الوانی (۱۳۸۶) آنرا طراحی کرده است. روش نمره گذاری این پرسشنامه بدین صورت است که برای گزینه هیچ گاه نمره ۱، برای گزینه به ندرت نمره ۲، برای گزینه گاهی نمره ۳، برای گزینه اغلب نمره ۴ و برای گزینه همیشه نمره ۵ در نظر گرفته می شود. یادآوری می شود که سؤالات ۱، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۰، ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱، ۱۳۹۲،

۲. پرسشنامه خودکارآمدی: در پژوهش حاضر، از ترجمه فارسی مقیاس خودکارآمدی کودکان ویلر و لد (۱۹۸۲) استفاده شده است. این پرسشنامه دارای ۲۲ گویه است که به صورت جمله ناقص نوشته شده و بعد از آن چهار گزینه مشتمل بر خیلی آسان، آسان، سخت و خیلی سخت ارائه گردیده‌اند. از کودک خواسته می‌شود تا جای خالی گویه‌ها را با انتخاب یکی از گزینه‌ها تکمیل کند. انتخاب گزینه خیلی آسان نمره ۴، گزینه آسان نمره ۳، گزینه سخت نمره ۲ و گزینه خیلی سخت نمره ۱ را کسب می‌کند. براین اساس دامنه نمره کل در این مقیاس می‌تواند از ۲۲ (حداقل نمره ممکن) تا ۸۸ (حداکثر نمره ممکن) نوسان داشته باشد. در این مقیاس، نمرات بالاتر نشان دهنده خودکارآمدی بیشتر است.

در ارتباط با ویژگی روان‌سنجی پرسشنامه خودکارآمدی باید گفت که چاری (۱۳۸۶) روایی-سازه مقیاس خودکارآمدی کودکان را مورد بررسی قرار داده است. برای این امر، از تحلیل عوامل با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی بهره برده و نتایج زیر را گزارش نموده است: مقدار ضریب (kmo) برابر با ۰/۹۰ و آزمون کرویت بارتلت با کای اسکویر تقریبی برابر با ۳/۲۴۲۱ بوده که سطح ۰/۰۰۱ معنادار است. از این گذشته برای محاسبه ضریب پایایی این مقیاس از ضریب آلفای کرونباخ استفاده نموده و مقدار این ضریب را برای پرسشنامه مزبور برابر با ۰/۸۷ گزارش کرده‌اند. همچنین در این پژوهش پایایی پرسشنامه با آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفته و با حجم نمونه ۱۰۰ نفر ۰/۷۸ به دست آمده که گویای اعتبار بالای پرسشنامه است.

یافته‌های پژوهش

روش آماری در این پژوهش با توجه به فرضیات تحقیق، در بخش آمار توصیفی، میانگین، انحراف معیار، واریانس و روش همبستگی و در آمار استنباطی آزمون t بوده است. یافته‌های پژوهش در دو بخش ارائه می‌شود. ابتدا طی جدولهای شماره ۱ و ۲ داده‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش ارائه می‌شود، سپس داده‌های مربوط به فرضیه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند.

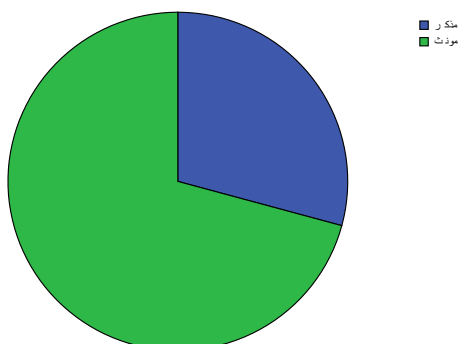
۱. اطلاعات جمعیت‌شناختی

جدول شماره ۱. توزیع فراوانی درصد معلم و دانش‌آموز نمونه پژوهش به تفکیک جنسیت

درصد	فراوانی	جنسیت	درصد تجمعی
۲۹/۲	۲۷	مرد	۲۹/۲
۷۰/۸	۶۱	زن	۱۰۰
۵۴/۰۵	۱۵۴	دختر	۵۴/۰۵
۴۶/۱۱	۱۸۰	پسر	۱۰۰
۱۰۰	۸۸	معلم	-
۱۰۰	۳۳۴	دانش‌آموز	-

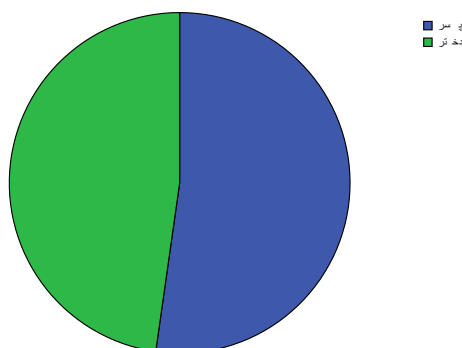
جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که بیشتر معلمان مورد بررسی با درصد فراوانی ۷۰/۸٪ زن بوده‌اند و جمعیت دانش‌آموزان نیز با درصد فراوانی ۵۴/۰۵٪ (۱۸۰ نفر) پسر بوده‌اند. شایان ذکر است که ۱۸ نفر از دانش‌آموزان اطلاعات مربوط به جنس خود را بدون پاسخ گذاشته بودند.

چندیت معلم



نمودار شماره ۱. توزیع فراوانی معلمان براساس جنسیت

چندیت دانش‌آموزان



نمودار شماره ۲. توزیع فراوانی دانش‌آموزان براساس جنسیت

جدول شماره ۲. توزیع فراوانی و درصد سابقه کاری معلمان

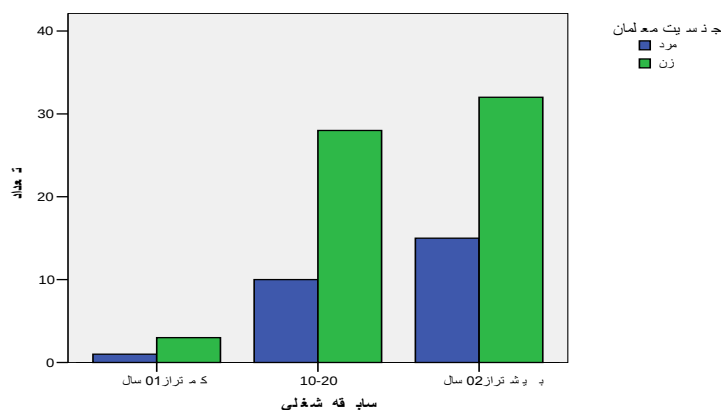
سابقه شغلی		مرد	زن	مجموع
کمتر از ۱۰ سال	تعداد	۳	۲	۵
	درصد فراوانی	۳/۶۶	۲/۴۱	۶/۰۲
۱۰ تا ۲۰ سال	تعداد	۸	۲۸	۳۶
	درصد فراوانی	۹/۶۴	۳۳/۷۳	۴۳/۳۷
بیشتر از ۲۰ سال	تعداد	۱۴	۲۸	۴۲
	درصد فراوانی	۱۶/۸۷	۳۳/۷۳	۵۰/۶۰
مجموع		۲۵	۵۸	۸۳

نتایج جدول فوق عبارت است از:

۱. ۱۶/۸۷ درصد از معلمان، مردان با سابقه بیشتر از ۲۰ سال هستند.

۲. جمعیت زنان با ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه و زنان با بیشتر از ۲۰ سال برابر است با ۳۳/۷۳.

۵ نفر از معلمان اطلاعات مربوط به سابقه تحصیلات خود را بدون پاسخ گذاشته بودند.



نمودار شماره ۳. توزیع درصد فراوانی شرکت کنندگان براساس جنسیت و سابقه شغلی

۲. آمار استنباطی

فرضیه اول) میان مدیریت کلاس مدرسه-محور و خودکارآمدی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد.

جدول شماره ۳. میانگین، انحراف معیار و ضریب همبستگی داده‌های فرضیه اول

تعداد	ضریب همبستگی $P=0/48$	انحراف معیار	میانگین	شاخصهای آماری متغیرها
۶۹	۰/۰۸۷	۳/۴۳	۳۷/۱۳	مدیریت مدرسه-محور معلمان
۲۷۴		۵/۳۴	۵۹/۸۳	خودکارآمدی دانش‌آموزان

با توجه به جدول فوق، میانگین نمرات مدیریت مدرسه-محور معلمان و خودکارآمدی دانش-آموزان به ترتیب برابر با ۳۷/۱۳ و ۵۹/۸۳ است. براساس سطح معناداری ذکر شده ($P \text{ Value} = ۰/۴۸$) و اینکه $P \text{ Value} > ۰/۰۵$ است، بنابراین می توان نتیجه گرفت که میان مدیریت مدرسه-محور معلمان و خودکارآمدی دانش آموزان جامعه مورد پژوهش رابطه معنادار وجود ندارد. فرضیه دوم) میان مدیریت کلاس دانش آموز-محور و خودکارآمدی دانش آموزان رابطه وجود دارد. جدول شماره ۴. میانگین، انحراف معیار و ضریب همبستگی داده های فرضیه دوم

متغیرها	شاخصهای آماری	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی $P=۰/۹۳$	تعداد
مدیریت دانش آموز-محور معلمان	۳۴/۴۲	۱/۱۷	-۰/۰۲		۱۹
خودکارآمدی دانش آموزان	۶۱/۹۵	۴/۷۴			۷۶

با توجه به جدول فوق، میانگین نمرات مدیریت دانش آموز-محور معلمان و خودکارآمدی دانش آموزان به ترتیب برابر با ۳۴/۴۲ و ۶۱/۹۵ است. براساس سطح معناداری ذکر شده ($P \text{ Value} = ۰/۹۳$) و اینکه $P \text{ Value} > ۰/۰۵$ است. بنابراین می توان نتیجه گرفت که میان مدیریت دانش آموز-محور معلمان و خودکارآمدی دانش آموزان جامعه مورد پژوهش رابطه معنادار وجود ندارد.

فرضیه سوم) میان مدیریت کلاس درس معلمان برحسب زن و مرد تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۵. میانگین و انحراف معیار مدیریت معلمان برحسب جنسیت

سبک مدیریت	جنسیت	میانگین	انحراف معیار
دانش آموز-محور	زن	۳۴/۶۴	۱/۹۱
	مرد	۳۴/۱۲	۲/۵۸
مدرسه-محور	زن	۳۶/۷۶	۳/۱۰
	مرد	۳۷/۹۴	۳/۴۷

با توجه به اطلاعات جدول ۵ سبک مدیریت معلم-محور در معلمان زن دارای میانگین نمره بیشتری است. همچنین در سبک مدیریت دانش آموز-محور میان معلمان زن و مرد تفاوت ناچیز وجود دارد.

جدول شماره ۶. نتایج آزمون t مدیریت کلاس برحسب جنسیت

مدیریت کلاس	مقدار t	df	سطح معناداری	سطح اطمینان ۹۵٪
دانش آموز-محور	-۰/۵۰	۱۸	۰/۶۳	حد بالا
				حد پایین
مدرسه-محور	۱/۳۵	۶۸	۰/۱۸	حد بالا
				حد پایین

با توجه به سطح معناداری ذکر شده که بیشتر از ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که میان مدیریت معلمان برحسب زن و مرد تفاوتی وجود ندارد. بنابراین فرضیه صفر تأیید و فرضیه پژوهش رد می‌شود.

فرضیه چهارم) میان خودکارآمدی دانش‌آموزان برحسب دختر و پسر تفاوت وجود دارد.

جدول شماره ۷. میانگین و انحراف معیار نمرات دانش‌آموزان

جنسیت	شاخصهای آماری	میانگین	انحراف معیار	تعداد
پسر		۵۹/۴۱	۸/۵۰	۱۸۰
دختر		۶۱/۱۰	۸/۵۵	۱۵۴

از جدول بالا می‌توان نتیجه گرفت که میانگین نمرات مربوط به خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر بیشتر از دانش‌آموزان پسر است. حال برای اطلاع از این موضوع که آیا این تفاوتی که در میزان خودکارآمدی دختران و پسران وجود دارد ناشی از خطای نمونه‌گیری و شانس است یا ناشی از تفاوت واقعی میان میزان خودکارآمدی در دانش‌آموزان است، بعد از بررسی پیش‌فرضهای لازم از آزمون t مستقل استفاده شد. نتایج این آزمون در جدول زیر ارائه شده است.

جدول شماره ۸. نتایج آزمون t خودکارآمدی برحسب جنسیت

مقدار t	df	سطح معناداری	سطح اطمینان ۹۵٪	نتیجه
-۱/۸۰	۳۳۳	۰/۰۷	حد پایین	رد فرضیه
			۰/۱۵۱	

با توجه به سطح معناداری ذکر شده که بیشتر از ۰/۰۵ است، می‌توان نتیجه گرفت که میان خودکارآمدی دانش‌آموزان برحسب دختر و پسر تفاوت معنادار وجود ندارد و با توجه به جدول شماره ۸ دختران خودکارآمدی بیشتری نسبت به پسران از خود نشان داده‌اند. بنابراین فرضیه صفر تأیید و فرضیه پژوهش رد می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی فرضیه‌های اول و دوم نشان می‌دهد که شیوه مدیریت کلاس درس، تأثیری بر خودکارآمدی دانش‌آموزان ندارد. در این مورد می‌توان چنین استدلال نمود که از یک طرف، تعیین قوانین انضباطی و اجرای آن از سوی معلم (مدیریت مدرسه-محور) برای اداره کلاس درس و مشارکت ندادن دانش‌آموزان در تصمیم‌گیریهای کلاسی، موجب می‌شود که دانش‌آموزان هیچ نوع اختیار و مسئولیتی در فرایند یادگیری نداشته باشند. ونینگ^۱ (۲۰۰۴) نقل از امین‌یزدی و عالی،

1. Wening

(۱۳۸۴) در پژوهش خود گزارش می‌دهد که هرچه بعد کنترل در مدیریت کلاس درس پررنگ‌تر باشد و تعامل معلم و دانش‌آموز کاهش یابد، دانش‌آموز کم‌تجربه و در تعاملات اجتماعی بی‌اثر و غیرفعال می‌شود. بنابر نظر گود و برافی^۱ (۱۹۸۵؛ نقل از آقازاده، ۱۳۸۸) در چنین حالتی دانش‌آموزان خود را مطیع قوانین مدرسه می‌دانند و از تواناییهایی که دارند، بهره نمی‌گیرند؛ لذا خودکارآمدی که حکایت از ارزیابی میزان توانایی فرد در انجام دادن تکالیف دارد با تعیین تکلیف و اهداف از طرف معلم تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد و دانش‌آموزان نیز از انجام تکالیفی که مستلزم خودکارآمدی است، باز می‌مانند. از سویی نیز، آزمودنیهای این پژوهش در دوره حساس کودکی قرار داشتند، و میل به زندگی اجتماعی و توجه به الگوهای اجتماعی در دانش‌آموزان مقطع ابتدایی بسیار شدید است، به گونه‌ای که برای پسران این سنین دوره رفقت است و دختران نیز احتیاج سیری‌ناپذیری به دوستان همجنس خود دارند، و این روابط تنها به صورت رابطه میان دو فرد نیست، بلکه دانش‌آموزان تمایل دارند در فعالیتهای مشترک با همسالان خویش مشارکت کنند. کودکان وقتی که وارد مدرسه و جامعه می‌شوند برای کسب اطلاعات درباره خویش به اطرافیان خود دقت بیشتری می‌کنند؛ به صورتی که در ۸ تا ۱۵ سالگی، همسالان در شکل‌دهی خودپنداره کودکان اهمیت بسیار دارند و به مرور زمان، این انگاره از خویش به بازخورد دریافتی از دوستان نزدیک وابسته می‌شود (برک^۲، ۱۳۸۲). براین اساس با توجه به یافته‌های این پژوهش و پژوهشهای مشابه نظیر ویلر و لد (۱۹۸۲) و چاری (۱۳۸۶) می‌توان چنین استنباط کرد که خودکارآمدی کودکان نتیجه تأثیر عواملی چون شرکت در فعالیتهای تفریحی، پذیرش مسئولیت در انجام امور شخصی و دوستی‌ها (به این دلیل که حمایت عاطفی و وسیله خودانگاره برای کودکان فراهم می‌کنند) است که همه این عوامل خارج از کلاس درس، خودکارآمدی دانش‌آموزان را شکل می‌دهند.

یافته‌های فرضیه سوم که میان معلمان برحسب جنیست در چگونگی مدیریت کلاس تفاوت وجود دارد، نشان داد که معلمان از لحاظ نوع مدیریت تفاوتی ندارند. این یافته با یافته‌های مارتین و همکاران (۱۹۹۷؛ نقل از امین‌یزدی و عالی، ۱۳۸۴) و حسینی‌فر (۱۳۸۷) همخوانی دارد.

یافته‌های پژوهش پیرامون فرضیه چهارم نیز نشان داد که میان دختران و پسران از لحاظ خودکارآمدی تفاوتی وجود ندارد. تحقیقات بست، استنفورد و قنبری‌زاده (نقل از یاری، ۱۳۸۸) عکس این نتیجه را نشان می‌دهد. اما تحقیقات لاشک نشان داد از نظر باور خودکارآمدی در دو

جنس دختر و پسر تفاوتی وجود ندارد. پژوهش حاضر نیز مؤید این یافته است. به گونه‌ای که مشخص شد میان باور خودکارآمدی دختران و پسران تفاوت معنادار وجود ندارد. این یافته آنچه را در تحقیق ویلر و لد (۱۹۸۲) مبنی بر عدم وجود تفاوت معنادار میان دختران و پسران از لحاظ خودکارآمدی گزارش شده است، تأیید می‌کند. همچنین همسو با یافته‌های پژوهشی پژوهشگرانی نظیر مک‌کوبی و ژاکلین^۱ (۱۹۷۴؛ نقل از چاری، ۱۳۸۶) است که معتقدند در دوران کودکی، میان دختر و پسر از نظر مفهوم اعتماد به نفس، تفاوت معناداری وجود ندارد. در مورد این فرضیه یافته‌های ضد و نقیضی وجود دارد. مثلاً می‌توان به این پژوهش‌ها اشاره کرد: پژوهش پاجاریس و میلر^۲ (۱۹۹۷) و پاجاریس و همکاران (۱۹۹۶) که در آن‌ها میزان خودکارآمدی پسران بیشتر از دختران است. همچنین پژوهش چاری (۱۳۸۶) مبنی بر اینکه پسران نسبت به دختران از خودکارآمدی بیشتر برخوردارند و مرتضوی و خاکساربلداجی (نقل از بلداجی، ۱۳۸۴) که نشان داده‌اند که خودکارآمدی دختران نسبت به پسران بیشتر است.

پیشنهادهای

۱. معلمان به روابط دانش‌آموزان با همسالان توجه خاصی داشته باشند. همچنین والدین و دست‌اندرکاران تربیت و تعلیم با ایجاد تجربه‌های موفق، الگوهای موفق و با تشویق کلامی دانش‌آموزانی که می‌توانند با دیگران روابط اجتماعی برقرار کنند، خودکارآمدی آنان را افزایش دهند.
۲. موضوع مدیریت کلاس موضوعی جدید است و تحقیقات اندکی در مورد آن در کشور انجام شده است، لذا به پژوهشگران توصیه می‌شود که با در نظر گرفتن این مسئله، مدیریت کلاس را با متغیرهای دیگر مورد بررسی قرار دهند.

محدودیت‌ها

۱. در این پژوهش فقط پایه پنجم ابتدایی و آن هم در یک ناحیه معین مورد بررسی قرار گرفته است، لذا تعمیم نتایج آن به مقاطع و نواحی دیگر خالی از اشکال نیست.
۲. در پژوهش حاضر دانش‌آموزان مدارس دولتی مورد مطالعه بوده‌اند و مدارس غیردولتی در نمونه پژوهشی مدنظر نبوده است، بنابراین تعمیم نتایج بر کل دانش‌آموزان باید با احتیاط انجام شود.

1. McCoby & Zhaklin
2. Pajaris & Miller

منابع

- آقازاده، محرم. (۱۳۸۸). راهنمای روش‌های نوین تدریس. تهران: آیت.
- السون، متیو و هرگنهن، بی. آر. (۱۳۸۸). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری (ترجمه علی‌اکبر سیف). تهران: انتشارات دوران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۹).
- امین‌یزدی، امیر و عالی، آمنه. (۱۳۸۴). بررسی تأثیر سبک‌های مدیریت کلاس بر رشد مهارت‌های فراشناختی دانش آموزان. فصلنامه مطالعات تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه فردوسی، سال نهم، شماره ۱، ۷۳-۹۱.
- برک، لورا ای. (۱۳۸۲). روان‌شناسی رشد (ترجمه یحیی سیدمحمدی). تهران: نشر ارسباران. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۱).
- بیانانگرد، اسماعیل. (۱۳۸۶). روان‌شناسی تربیتی. تهران: نشر ویرایش.
- چاری، مسعودحسین. (۱۳۸۶). مقایسه خودکارآمدی ادراک شده در تعامل اجتماعی با همسالان در بین گروهی از دانش آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی. مطالعات روان‌شناختی دانشگاه الزهراء، دوره ۳، شماره ۴، ۸۷-۱۰۳.
- حجازی، الهه و نقش، زهرا. (۱۳۸۷). الگوی ساختاری رابطه ادراک از ساختارکلاس، اهداف پیشرفت، خودکارآمدی و خودنظم‌بخشی در درس ریاضی. تازه‌های علوم شناختی، سال ۱۰، شماره ۴، ۲۷-۳۸.
- حسینی فر، زهرا. (۱۳۸۷). نقش سبک‌های مدیریت کلاس بر توانایی‌های فراشناختی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پایه پنجم ابتدایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند.
- خاکساربلداجی، محمدعلی. (۱۳۸۴). رابطه سبک‌های یادگیری، خودکارآمدی پنداری و رشته تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه نظری. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۰۷-۱۳۱.
- راگ، ادوارد کنراد. (۱۳۸۴). مدیریت کلاس در دبستان (ترجمه علیرضا کیامنش و کامران گنجی). تهران: رشد.
- رئوفی، محمدحسین. (۱۳۸۴). مدیریت رفتارکلاسی. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ساعتچی، محمود. (۱۳۷۶). روان‌شناسی کاربردی برای مدیران. تهران: انتشارات ویرایش.
- سرمادی، محمدرضا و صیف، محمدحسن. (۱۳۹۰). مدیریت کلاس. تهران: انتشارات دانشگاه پیام‌نور.
- شعبانی، حسن. (۱۳۹۰). مهارت‌های آموزشی و پرورشی. تهران: سمت.
- فرخ‌نژاد، نصرالله. (۱۳۸۰). بررسی عوامل مؤثر بر مدیریت اثربخش کلاس درس از دیدگاه دبیران مقطع متوسطه شهرستان بوشهر. دانشگاه شیراز، معاونت تحصیلات تکمیلی.
- کاظمی، ایرج؛ رجایی‌پور، سعید و آقاحسینی، تقی. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین مؤلفه‌های مدیریت کلاس درس و جو یادگیری در مدارس راهنمایی شهر اصفهان. پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی، سال چهارم، شماره اول، ۲۳-۴۰.
- لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۸۹). روان‌شناسی تربیتی. تهران: انتشارات سمت.
- هومن، حیدرعلی. (۱۳۸۳). شناخت روش علمی در علوم رفتاری. تهران: نشر پارسا.
- یاری، سمیه. (۱۳۸۸). رابطه باورهای خودکارآمدی و ادراک خویش‌تن با اضطراب امتحان دانش‌آموزان متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده. دانشگاه آزاد اسلامی واحد بیرجند.
- Bandura, A. (1993). Perceived self-efficacy in cognitive development and functioning. *Educational Psychologist*, 28(2), 117-148.

- Bandura, A. (2006). Guide for constructing self-efficacy scales. In F. Pajares & T. Urdan (Eds.), *Self-efficacy beliefs of adolescents* (pp. 307–337). Charlotte, NC: Information Age Publishing.
- Dykeman, C., Wood, C., Ingram, M., & Herr, E. L. (2003). *Career development interventions, and academic self-efficacy, and motivation: A pilot study*. National Research Center for Career and Technical Education, University of Minnesota, St Paul, MN.
- Germin, Y. (2002). An investigation into the influences of teachers' classroom management beliefs and practices on classroom procedures. *Journal of Science Education*, 1, 15-50.
- Liaw, E. C. (2009). Teacher efficacy of pre-service teachers in Taiwan: The influence of classroom teaching and group discussions. *Teaching and Teacher Education*, 25, 176-180.
- Schwarzer, R., & Hallum, S. (2008). Perceived teacher self-efficacy as a predictor of job stress and burnout: Mediation analyses. *Applied Psychology: An International Review*, 57, 152-171.
- Tella, A. (2011). An assessment of mathematic self-efficacy of secondary school students in Osun State, Nigeria. *IFE Psychologia*, 19(1), 430-440.